

پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات بر اساس سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه  
در دانش‌آموزان

Predict success in mathematics based on parenting styles and early maladaptive schemas in students

Reza Bozorg

Abolfazl Najarian Nosh-abadi

Samira Esmaeili

رضا بزرگ\*

ابوالفضل نجاریان نوش‌آبادی\*\*

سمیرا اسماعیلی\*\*\*

چکیده

Abstract

The purpose of the present study was to predict student's success in mathematics based on the parenting styles and early maladaptive schemas. This was a correlational study, and the target population consisted of all male guidance school students in Kashan city, from which a representative sample of 200 students were selected through cluster random sampling technique. Research tools consisted of the Yung's Early Maladaptive Schema questionnaire, the khalili and khorshidi parenting style questionnaire and math scores in the final exams. After data collection, the data were analyzed using correlation and multiple regression analysis. The Results showed that there were significant negative relationships between success in mathematics and some of the variables of parenting style including Authoritarian, Permissive and irresponsible, while a significant positive relationship between success in mathematics and decisive parenting style has been found. Furthermore, negative significant relationships between success in mathematics and several early maladaptive schemas including disconnection, rejection, over vigilance and inhibition has been observed. The multiple regression analysis showed that, of the early maladaptive schemas, disconnection, rejection, over vigilance and inhibition, and of the parenting styles authoritarian, permissive and authoritative were powerful predictors of success in mathematics.

**Keywords** parenting styles, early maladaptive schemas, success in mathematics

این تحقیق با هدف پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات بر اساس سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانش‌آموزان انجام گرفت. روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری آن تمام دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی شهرستان کاشان بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ۲۰۰ دانش‌آموز انتخاب شدند. ابزار سنجش شامل پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ، پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری خلیلی و خورشیدی و نمرات درس ریاضی دانش‌آموزان در امتحانات پایان ترم بود. پس از جمع‌آوری داده‌ها از روش همبستگی و رگرسیون چندمتغیری همزمان برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین موفقیت در ریاضیات و متغیرهای سبک‌های فرزندپروری شامل: مستبد، سهل‌گیر و بی‌مسئولیت رابطه معنادار منفی، و در سبک قاطع رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین بین موفقیت در ریاضیات و طرحواره‌های قطع ارتباط و طرد و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری رابطه معنادار منفی وجود دارد. یافته‌ها نشان داد طرحواره‌ی ناسازگار قطع ارتباط و طرد و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و سبک‌های فرزندپروری مستبد، سهل‌گیر و قاطع توان پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات را داشتند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، موفقیت در ریاضیات

\* کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد اراک،  
مدرس دانشگاه فرهنگیان کاشان:

Email: bozorgi\_rezaa@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، مدرس دانشگاه پیام نور کاشان

\*\*\* کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران (سمنان)

Received: 13 Mar 2014 Accepted: 15 Feb 2015

پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۶

دریافت: ۹۳/۱۲/۲۲

## مقدمه

یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی در بسیاری از کشورهای جهان، پدیده‌ی اُفت تحصیلی است که زبان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت و خانواده‌ها می‌کند. تلاش برای شناسایی عوامل مهم در پیشرفت تحصیلی، ارائه‌ی راهبردها و انجام اقداماتی در جهت کاهش خسارات ناشی از اُفت تحصیلی، مستلزم تحقیقات بسیار در این زمینه است. پیشرفت تحصیلی، یکی از ابعاد پیشرفت در آموزش است که مفهوم آن معلومات یا مهارت‌های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوع درسی است که معمولاً به‌وسیله‌ی آزمایش‌ها یا نشانه‌ها یا هر دو - که معلمان برای دانش آموزان وضع می‌کنند- اندازه‌گیری می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۶۴). پیشرفت تحصیلی مستلزم پیشرفت و موفقیت در تمامی دروس تعریف شده برای دانش آموزان است، با این حال موفقیت در یادگیری ریاضیات یکی از مباحث با اهمیت در دوران تحصیل است که تا حدود زیادی بر سرنوشت تحصیلی آنان تاثیر دارد. دانش آموزانی که در درس ریاضی ضعیف هستند، با انتخاب رشته‌های غیرریاضی در مقاطع بالاتر تحصیلی سعی می‌کنند از ریاضیات فاصله بگیرند، درحالی که اهمیت ریاضیات فراگیرتر از آن است که تنها در قالب دروس رسمی مطرح شود (رینولدز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱، به نقل از هیند، ۲۰۰۴). بر این اساس، عوامل مربوط به یادگیری ریاضیات برای دانش آموزان، یا منشأ درون‌ریاضی دارند و یا برون‌ریاضی. عوامل درون‌ریاضی ناشی از محتوا، طبیعت و انتزاعی بودن دانش ریاضی و در واقع از جنس ریاضیات می‌باشند. در حالی که عوامل برون-ریاضی به دو دسته‌ی برون فردی و درون فردی تقسیم می‌شوند. عوامل برون‌ریاضی با منشأ برون فردی ریشه در مسائلی دارند که نه مرتبط با ریاضیات هستند و نه ارتباطی با ویژگی‌های فردی یادگیرنده دارند، بلکه متأثر از عوامل خانوادگی، اجتماعی، آموزشی و چگونگی تدریس و برخورد معلمان و غیره می‌باشند. در سوی دیگر، عوامل برون ریاضی اگر منشأ درون فردی داشته باشند از ویژگی‌های فردی شاگردان در پردازش‌های ذهنی، یادگیری، انگیزش‌ها و نگرش‌ها سرچشمه می‌گیرند (شرمن، ۲۰۰۱). در بررسی عوامل برون‌ریاضی موثر بر پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات می‌توان از سبک‌های فرزندپروری<sup>۲</sup> نام برد. تعامل‌های روزمره بین کودکان با والدین خود موجب رشد جسمانی، هیجانی و شناختی آنها می‌شود (برازلتون و کرامر، ۱۹۹۰). زمانی که والدین نسبت به مشکلات کودکان خود حساس و پاسخگو هستند، در آنها اعتماد به نفس را پرورش می‌دهند. این تعامل‌ها موجب می‌شود تا کودکان رشد و تحول بهتری داشته باشند و به الگوبرداری از تجلیات مختلف عاطفی و مهارت‌های تنظیم هیجانی والدین خود بپردازند. والدین می‌توانند در فعالیت‌های یادگیری روزمره کودکان خود درگیر

<sup>۱</sup>.Reynolds,A

<sup>۲</sup>.parenting style

شوند و به کودکان خود کمک کنند تا انگیزش مادام‌العمر، مقاومت و عشق به یادگیری را در خود پرورش دهند (ترونیگ و بیگلی، ۲۰۱۱). در دوران مدرسه، والدین می‌توانند موجب انتقال موفق کودکان خود شوند و با تشویق آنها، دلبستگی به درس و مدرسه را در آنها ایجاد کنند (مک واینه، فانتوزو، کوهن و سکینو، ۲۰۰۴). گرم بودن، حساس بودن و مراقبت توأم با پاسخگو و مسئول بودن اساس و پایه رشد سالم مغز کودک را تشکیل می‌دهد و موجب افزایش موفقیت در مدرسه می‌شود. عامل‌های مثبت والد-کودک احتمالاً در خانواده‌های مختلف کاملاً متمایز است. گستره‌ای از سبک‌های فرزند پروری، تعامل‌ها و پاسخ‌های هیجانی از رشد سالم کودکان حمایت می‌کند. پاسخ والدین به نیازها و رفتار کودکان متفاوت است. این پاسخ به مزاج، تاریخچه شخصی، موقعیت زندگی فعلی و باورها و اهداف فرهنگی آنها بستگی دارد. والدین همچنین بر رشد هیجانی اجتماعی و موفقیت آتی کودکان تاثیرگذارند (کوک، روگمن، و بویس، ۲۰۱۱).

سبک‌های فرزندپروری ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورند (سید محمدی، ۱۳۸۷). به نظر استرنبرگ<sup>۳</sup> شیوه فرزندپروری عبارت است از روشی که کودک به طور معمول بر اساس آن در خانه پرورش می‌یابد و می‌تواند بر عملکرد کودکان در مدرسه تاثیرگذار باشد. به نظر دارلینگ شیوه‌های فرزندپروری منظومه‌ای است از گرایش‌ات- اعمال- جلوه‌های غیرکلامی که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند (مهرانگیز، ۱۳۷۸). بامریند در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد. این سه ویژگی عبارتند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک، (۲) کنترل، (۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: مقتدرانه<sup>۴</sup>، مستبدانه<sup>۵</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۶</sup>. بامریند از بعد کنترل والدینی برای مشخص نمودن سه سبک فرزندپروری استفاده کرد. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. در واقع والدین ضمن حفظ اقتدار خود، اجازه می‌دهند فرزندان آزادانه نظرات خود را بیان کنند و آزادی و اختیار معقولی به فرزندان خود می‌دهند. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است. در این سبک والدین سعی در تحمیل نظرات خود به فرزندان دارند. والدین با سبک فرزندپروری آسان‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود

<sup>۳</sup>. Strenberg

<sup>۴</sup>. Authoritative

<sup>۵</sup>. Authoritarian

<sup>۶</sup>. Permissive

اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند، خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند. همچنین در آن والدین بیش از حد به فرزندانشان اختیار عمل می‌دهند (دیاز، ۲۰۰۵). پژوهشگرانی چون سالارانیلا و همکاران (۲۰۱۱) اعتقاد بر این دارند که پیشرفت تحصیلی فرد نه تنها نتیجه هوش او است، بلکه ویژگی‌های روانشناختی نیز نقشی مهم در این پیامد دارد. مطالعه ترنر و همکاران (۲۰۰۹) نشان می‌دهد در دنبال کردن اهداف تحصیلی، دانش آموزان با انواع چالش‌های مختلف مواجه هستند. زمانی که این تجربه‌ها به صورت منفی تصور شوند، تأثیری منفی در انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارند. با فرض اینکه استرس‌ها و عوامل تضعیف‌کننده پیشرفت فردی، عمیقاً ریشه در شناخت دارد، به نظر می‌رسد طرحواره‌های ناسازگار اولیه در تشکیل و ساخت این استرس دهنده‌ها نقشی محوری داشته باشد. طرحواره‌ها را می‌توان ساختارهایی برای بازیابی مفاهیم کلی ذخیره شده در حافظه یا مجموعه سازمان یافته از اطلاعات، باورها و فرض‌ها دانست که محتوای هر طرحواره از طریق تجربه‌های زندگی ساخته و پرداخته می‌شود، سازمان می‌یابد و در ادراک و ارزیابی اطلاعات جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد (گیسون، ۲۰۰۴). در واقع بسته به اینکه خانواده از چه ساختاری برخوردار باشد، نحوه شکل گرفتن رفتار و ویژگی‌های شخصیتی کودک نیز متفاوت خواهد بود. گرمی، تعلق، پذیرش، وابستگی شدید، آزادی، سختگیری، مداخله و انتظارات والدین از کودکان در کیفیت این ساختار تأثیرگذارند. بنابراین، یکی از متغیرهای مهمی که نقشی بسیار اساسی در تربیت و رشد کودکان و عملکردهای آتی آنها دارد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. در واقع، طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای شناختی، هیجانی و واکنش‌های جسمی خود ویرانگری هستند که در دوره‌های اولیه کودکی شکل می‌گیرند و در طول زندگی وی تکرار می‌شوند (یانگ، ۲۰۰۶). جفری یانگ معتقد است طرحواره‌ها که وی از آنها به عنوان یک ساختار یا چارچوب مرجع یاد می‌کند؛ ساختارهای پایدار و بادوامی هستند که در طی تجارب کودکی شکل گرفته و پاسخ فرد به رخداد‌های محیطی را کنترل می‌کند (یانگ، ۱۹۹۹). وی عنوان می‌کند اگر چه عوامل مربوط به جامعه، مدرسه و همسالان در شکل‌گیری این طرحواره‌ها مؤثر هستند، اما اثر آنها، آن وسعت و ثبات اثر عوامل خانوادگی (همچون سبک‌های فرزندپروری) را ندارد (تورس، ۲۰۰۲). وی هیجده طرحواره‌ی ناسازگار اولیه را مطرح می‌کند که بر اساس پنج نیاز هیجانی ارضا نشده (دلبستگی ایمن به دیگران، خودگردانی و کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجانات سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن‌داری) شکل می‌گیرند. رویدادهای زندگی بر اساس این طرحواره‌ها و به صورت ناخودآگاه تفسیر می‌شوند، یعنی اگر فردی در یک موقعیت نتواند براساس طرحواره‌های ذهنی‌اش موضوعی را تعبیر و تفسیر نماید، سعی در تحریف آن موضوع می‌کند تا تعدیل طرحواره‌ی خود (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). هیجده طرحواره‌ی مطرح شده توسط یانگ شامل پنج حوزه است: حوزه‌ی اول

پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ...

قطع ارتباط و طرد<sup>۷</sup> که حاصل عدم ارضای نیازها مانند امنیت و همدلی به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی است. حوزه‌ی دوم خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۸</sup>، افرادی که طرحواره‌شان در این حوزه قرار دارد، از خودشان و محیط اطرافشان انتظاراتی دارند که در توانایی آنها برای تفکیک خود از نماد والدین و دستیابی به عملکرد مستقلانه مانع ایجاد می‌کند. حوزه‌ی سوم محدودیت‌های مختل<sup>۹</sup> که ناشی از عدم وجود مسئولیت‌پذیری است و لذا مشکلاتی در ارتباط با رعایت حقوق دیگران، تعهد و هدف‌گزینی ایجاد می‌کند. حوزه چهارم معطوف به دیگری بودن<sup>۱۰</sup> که ناشی از توجه بیش از اندازه به دیگران و نادیده گرفتن خود است، و حوزه پنجم گوش به زنگی بیش از حد و بازداری<sup>۱۱</sup> که در نتیجه تأکید بیش از حد پردازش احساسات به وجود می‌آید (یانگ، ۱۹۹۴؛ هریس و کرتن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲). یانگ ۱۹۹۵ معتقد است هر یک از علایم آسیب شناسی به یک یا تعداد بیشتری از طرحواره‌های اولیه مرتبط است. در پژوهش‌ها عنوان شده است طرحواره‌های ناسازگار اولیه مکانیسم‌های ناکارآمدی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به پریشانی روانشناختی می‌انجامد (آهی و همکاران، ۱۳۸۶). در این راستا، طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ماهیت هیجانی می‌تواند سبب بروز مشکلات هیجانی در فرد شده و به همین علت، در طی فرایند یادگیری بر پردازش شناختی فرد اثرگذار باشد (کاظمی و مطهری، ۱۳۹۰). پیازه<sup>۱۳</sup> (۱۹۵۴) و بالبی<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۹)، به نقل از گانتی و بوری (۲۰۰۸) معتقدند که سبک‌های فرزندپروری والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام طرحواره<sup>۱۵</sup> می‌شود. این طرحواره‌ها در زندگی فرد به عنوان عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند و با توجه به مطالب ذکر شده طرحواره‌های ناسازگار اولیه یکی از عوامل برون ریاضی مؤثر بر پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات می‌باشد.

## روش

جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول مدارس عادی شهرستان کاشان می‌باشد. تعداد کل جامعه آماری ۴۲۸ دانش‌آموز می‌باشد. از بین کل این دانش‌آموزان بر اساس

<sup>۷</sup>. disconnection /rejection

<sup>۸</sup>. autonomy and performance impaire

<sup>۹</sup>. impaired limited

<sup>۱۰</sup>. other -direction

<sup>۱۱</sup>. overvigilance and inhibition

<sup>۱۲</sup>. Harris & Curtin

<sup>۱۳</sup>. Piaget

<sup>۱۴</sup>. Piaget & Bowlby

<sup>۱۵</sup>. Schema

محاسبه فرمول کوکران، حجم نمونه ۲۰۰ دانش آموز برآورد شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی و با توجه به معیارهای ورود و خروج آزمودنی‌ها به مطالعه انتخاب شدند. معیارهای ورود آزمودنی‌ها به مطالعه عبارتند از: رضایت دانش‌آموز برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، دانش آموزان با هوش طبیعی، بازه سنی ۱۲ تا ۱۶ سال. معیارهای خروج آزمودنی‌ها از مطالعه عبارتند از: تشخیص معلولیت، تشخیص اختلال یادگیری، بیش‌فعالی و نقص توجه و تشخیص هوش پایین‌تر از طبیعی و هوش مرزی (که با توجه به بررسی پرونده دانش‌آموزان و با کمک روانشناس مدرسه تشخیص داده شد). به منظور توصیف و تشریح یافته‌ها از آمار توصیفی، شامل میانگین و انحراف استاندارد، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری همزمان استفاده شد. نتایج پژوهش در سطح  $p < 0.05$  بررسی و از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

### ابزار

ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و پرسشنامه فرم کوتاه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ<sup>۱۶</sup> (EMSS) می‌باشد. پرسشنامه‌ی شیوه‌های فرزندپروری توسط خلیلی سامانی و خورشیدی (۱۳۸۶) ساخته شده و شامل ۳۹ ماده می‌باشد که چهار سبک فرزندپروری: قاطع مهربان (مقتدرانه)، قاطع نامهربان (مستبدانه)، ضعیف و مهربان (سهل‌گیرانه)، و ضعیف و نامهربان (بی‌مسئولیت) را می‌سنجد. پایایی ابزار سنجش به وسیله‌ی آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار آن برابر با ۰/۹۳ است (خلیلی و سامانی، ۱۳۸۶). همچنین پرسشنامه فرم کوتاه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ که توسط یانگ (۱۹۹۵) ساخته شده دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ حیطه از طرحواره‌های ناسازگار اولیه را اندازه‌گیری می‌کند و هر ۵ آئتم این پرسشنامه یک طرحواره را می‌سنجد. هیجده طرحواره‌ی مطرح شده توسط یانگ شامل پنج حوزه است: حوزه قطع ارتباط و طرد، حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، حوزه محدودیت‌های مختل، حوزه معطوف به دیگری بودن، حوزه گوش به زنگی بیش از حد و بازدارنده (حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). یانگ نورمن و توماس (۱۹۹۵) پایایی این پرسشنامه را به روش همسانی درونی و بازآزمایی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۸۱ گزارش نمودند. همچنین در ایران یوسفی و همکاران (۱۳۸۷) پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ و دومیه کردن به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۶ گزارش نمودند. در عین حال برای پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات، نمراتی که دانش‌آموزان در امتحانات پایان ترم سال تحصیلی از درس ریاضیات کسب می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود.

<sup>۱۶</sup>. Early Maladaptive Schema short form

## یافته‌ها

میانگین سنی دانش‌آموزان در این مطالعه ۱۴ سال و ۳ ماه بود و همچنین میانگین هوشی دانش‌آموزان ۱۰۱ بدست آمد. با توجه به یافته‌های جدول ۱ در طرحواره‌های ناسازگار اولیه آزمودنی‌ها در متغیر گوش به زنگی بیش از حد و بازداری بالاترین میانگین و در متغیر خودگردانی و عملکرد مختل پایین‌ترین میانگین را کسب نموده‌اند. همچنین در نمرات سبک‌های فرزندپروری بالاترین میانگین مربوط به سبک فرزندپروری قاطع و پایین‌ترین میانگین مربوط به سبک فرزندپروری مستبد می‌باشد. جدول ۱ همبستگی متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزندپروری را با نمره ریاضی نشان می‌دهد.

**جدول ۱- همبستگی متغیرهای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزندپروری با نمره ریاضی**

متغیر	میانگین	نمره ریاضی	
		P	R
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۲/۵۰	۰/۹۱	-.۰/۲۳۹**
خودگردانی و عملکرد مختل	۲/۹۳	۰/۸۹	-.۰/۰۱۶
محدویت‌های مختل	۲/۸۵	۱/۰۹	-.۰/۱۰۱
معطوف به دیگری بودن	۲/۷۶	۰/۷۹	-.۰/۰۲۰
گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	۲/۴۳	۰/۹۹	-.۰/۲۰۰**
سبک‌های فرزندپروری	۱/۷۷	۰/۶۴	-.۰/۲۷۲**
سهل‌گیر	۲/۰۲	۰/۵۴	-.۰/۲۱۲**
بی‌مسئولیت	۱/۹۱	۰/۶۷	-.۰/۲۰۷**
قاطع	۳/۳۹	۰/۷۸	۰/۱۸۹**

با توجه به یافته‌های جدول ۱، در طرحواره‌های ناسازگار اولیه، حوزه‌های قطع ارتباط و طرد و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با موفقیت در ریاضیات همبستگی معکوس دارند و این نشان از آن دارد که با افزایش نمره در این دو حوزه نمرات ریاضی آزمودنی‌ها کاهش می‌یابد ( $p < 0.05$ ). همچنین در متغیر سبک‌های فرزندپروری، بین سبک فرزندپروری مستبد، سهل‌گیر و بی‌مسئولیت با موفقیت در ریاضیات همبستگی معکوس وجود دارد. یعنی با افزایش نمره در سبک‌های فرزندپروری مستبد، سهل‌گیر و بی‌مسئولیت، نمرات ریاضی آزمودنی‌ها کاهش می‌یابد. در عین حال، بین سبک فرزندپروری قاطع با موفقیت در ریاضیات همبستگی مستقیم وجود دارد، یعنی با افزایش نمره در سبک قاطع نمرات ریاضی آزمودنی‌ها نیز افزایش می‌یابد ( $p < 0.05$ ). نتایج جدول ۱ بیانگر این است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه،

در حوزه‌های خود گردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، و معطوف به دیگری بودن، با موفقیت در ریاضیات همبستگی معناداری ندارند. بنابراین، متغیرهای ذکر شده به دلیل عدم معناداری رابطه، وارد معادله رگرسیون نمی‌شوند.

**جدول ۲- تحلیل رگرسیون معناداری مدل**

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	R	R <sup>2</sup>	F	سطح معناداری
رگرسیون	۴۹۳/۴۰۶	۹	۵۴/۸۲۳	۰/۴۸۱	۰/۳۳۱	۶/۳۴۰	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۶۴۲/۹۴۹	۱۹۰	۸/۶۴۷				
کل	۲۱۳۶/۳۵۵	۱۹۹					

با توجه به اینکه  $R^2$  درصد واریانس حوزه‌های طرحواره ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی موفقیت در درس ریاضیات است، نتایج جدول فوق بیانگر این است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزندپروری مشترکاً ۲۳/۱ درصد واریانس موفقیت در درس ریاضیات را پیش‌بینی می‌کنند.

**جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون (چندمتغیری- همزمان)**

متغیرها	B	خطای معیار	Beta	T	سطح معناداری
مستبد	-۱/۱۵۲	-۰/۵۳۰	-۰/۲۲۵	-۲/۱۷۶	۰/۰۳۱
سهل‌گیر	-۱/۰۹۰	-۰/۴۰۷	-۰/۱۸۴	-۲/۶۷۷	۰/۰۰۸
بی مسئولیت	-۱/۰۱۱	-۰/۴۰۱	-۰/۱۷۱	-۲/۱۳۲	۰/۰۰۶
قاطع	۰/۶۰۴	۰/۲۸۷	۰/۱۴۲	۲/۱۰۲	۰/۰۳۷
قطع ارتباط و طرد	-۰/۹۱۹	۰/۴۲۱	-۰/۲۵۸	-۲/۱۸۴	۰/۰۳۰
گوش به زنگی بیش از حد و بازداری	-۰/۹۴۴	۰/۴۴۲	-۰/۲۵۷	-۰/۱۳۴	۰/۰۳۴

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در متغیر سبک‌های فرزندپروری سبک‌های مستبد، سهل‌گیر، بی-مسئولیت، قاطع و در متغیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه‌های قطع ارتباط و طرد و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری قادر به پیش‌بینی موفقیت در درس ریاضیات هستند ( $P < 0/05$ )، که متغیر قطع ارتباط و طرد بیشترین سهم را در پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات دارند ( $Beta = ۰/۲۵۸$ )، و متغیر سبک فرزندپروری قاطع کمترین سهم پیش‌بینی در موفقیت ریاضی را دارد ( $Beta = ۰/۱۴۲$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱ بین متغیرهای طرحواره ناسازگار قطع ارتباط و طرد و همچنین گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با نمره ریاضی دانش‌آموزان همبستگی وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۳ تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد طرحواره‌های قطع ارتباط و طرد با سطح معناداری ۰/۰۳۰ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با سطح معناداری ۰/۰۳۴، قادر به پیش‌بینی موفقیت در درس ریاضیات هستند. این یافته‌ها با تحقیقات شیخ احمدی و همکاران (۲۰۱۵) با



موضوع بررسی رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با پیشرفت تحصیلی و اضطراب امتحان ریاضی، و همچنین با تحقیقات یانگ، نورمن و توماس (۱۹۹۵)، استرانبرگ (۱۹۹۴)، بختیارپور و همکاران (۲۰۱۰)، حق شناس و همکاران (۲۰۱۰) و خسروی و بیگدلی (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه بیان کرد که افراد با طرحواره ناسازگار قطع ارتباط و طرد نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد (حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). خانواده‌های اصلی آنها معمولاً بی‌ثبات، بدرفتار، سرد و بی‌عاطفه، طردکننده یا منزوی هستند. افرادی که طرحواره‌هایشان در این حوزه قرار می‌گیرد، اغلب بیشترین آسیب را می‌بینند. بسیاری از آنها دوران کودکی تکانه‌دهنده‌ای داشته‌اند و در بزرگسالی تمایل دارند از برقراری روابط بین‌فردی نزدیک اجتناب کنند و معمولاً این افراد نقص‌ها و کمبودهایی دارند که این نقص‌ها و کمبودها ممکن است شخصی<sup>۱۷</sup> (مانند: خودخواهی، تکانه‌های پرخاشگرانه، تمایلات جنسی غیرقابل قبول) و یا عمومی<sup>۱۸</sup> (مانند: ظاهر غیرجذاب، نابرازندگی اجتماعی) باشد که باعث می‌شود وقتی در معرض نگاه دیگران قرار گیرند، طرد شوند. این طرحواره معمولاً با احساس شرم نسبت به نقایص ادراک شده همراه است. این افراد معمولاً از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند و در رابطه با دیگران اجازه می‌دهند تا طرف مقابل آنها را مورد انتقاد و تحقیر همیشگی قرار دهد (کاستیل<sup>۱۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۷، به نقل از قاسمی، ۱۳۸۹) که همین امر می‌تواند بر شیوه‌های پردازش شناختی اثرگذار بوده و فرد را نسبت به آسیب‌های روانی آسیب‌پذیر سازد. از جمله حیطة‌هایی که انتظار می‌رود با فعال شدن طرحواره‌های ناسازگار به نقص در پردازش شناختی منجر شود و به دنبال آن آشفتگی ذهنی و روانی ایجاد کند، حیطة یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان است (کاظمی و مطهری، ۱۳۹۰). همچنین دانش‌آموزان با طرحواره ناسازگار گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، احساسات و تکانه‌های خودانگیخته را واپس‌زنی می‌کنند. آنها اغلب تلاش می‌کنند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر و درونی شده‌ی خود عمل کنند؛ ولو به قیمت از دست دادن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش خاطر، روابط صمیمی یا سلامتی. دوران کودکی این افراد پر از خشونت، واپس‌زدگی و سختگیری بوده و خویش‌اندازی و فداکاری بیش از حد بر خودانگیختگی و لذت‌غلبه داشته است و این افراد در دوران کودکی به تفریح و شادی کردن تشویق نشده‌اند و در عوض یاد گرفته‌اند که در خصوص حوادث منفی زندگی گوش به زنگ باشند و زندگی را طاقت‌فرسا در نظر بگیرند. این بیماران معمولاً در احساس بدبینی، نگرانی و ترس بسر

<sup>۱۷</sup>. Private

<sup>۱۸</sup>. Public

<sup>۱۹</sup>. Csstille

می‌برند، به طوری که معتقدند اگر نتوانند در تمام لحظات زندگی خود هوشیار و مراقب باشند، ممکن است زندگی‌شان از هم بپاشد (حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۶). همین باور و شیوه تفکر می‌تواند دلیل روشنی باشد که دانش‌آموزان با این طرحواره بیشتر نگران ارزیابی و قضاوت دیگران در مورد عملکرد آنها در دروس باشند تا یادگیری. همین امر می‌تواند موفقیت در دروس و به طور اخص درس ریاضی را تحت تاثیر قرار دهد. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱ بین متغیرهای سبک‌های فرزندپروری مستبد، سهل‌گیر و بی‌مسئولیت با نمره ریاضی دانش‌آموزان همبستگی معکوس و بین سبک فرزندپروری قاطع با موفقیت در ریاضیات همبستگی مستقیم وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۳ تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیر با سطح معناداری ۰/۰۰۸، مستبد با سطح معناداری ۰/۰۳۱، بی‌مسئولیت با سطح معناداری ۰/۰۰۶ و قاطع با سطح معناداری ۰/۰۳۷ به ترتیب بیشترین قدرت پیش‌بینی موفقیت در درس ریاضی دانش‌آموزان را دارد. این یافته‌ها با تحقیق اکبری در سال ۱۳۹۰ و نتایج تحقیقات گلاسکو و همکاران (۱۹۹۷) و تحقیقات رضایی و خداخواه (۱۳۸۸)، مهرافروز و شهرآرای (۱۳۸۱) همسو می‌باشد. مطالعه‌ی نیل (۲۰۰۱)، بایور (۲۰۰۲)، عابدی و عریضی (۱۳۸۴) و حسن‌زاده (۱۳۸۵) نیز نشان داده که رفتار اقتدارطلبانه والدین به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه دارد که با نتایج حاصل از این تحقیق همسو می‌باشد. در همین راستا، در تحقیقی که بیرامی و بهادری (۱۳۸۹) در زمینه ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که در مجموع این سه متغیر ۴۹/۲ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند که ۴۲ درصد مربوط به سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌باشد. بدین معنا که سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی کننده قوی برای متغیر پیشرفت تحصیلی است. بنابراین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در این شیوه والدین، آزادی قابل ملاحظه‌ای به فرزندان می‌دهند و در عین حال، برای محدودیت‌هایی که وضع می‌کنند پایه و اساس فراهم می‌کنند و به نیازها و نظرات فرزندان خود احترام می‌گذارند و در نتیجه فرزندان آنها دارای روحیه‌ای مستقل و احساس مسئولیت‌پذیری بوده و در برخورد با مشکلات علمی، تحصیلی و ذهنی انعطاف پذیرند. ولی در مقابل دانش‌آموزانی که در محیط دیکتاتوری پرورش می‌یابند، در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می‌دهند، ولی در واقع دچار حالت اضطراب و هیجان هستند. فرزندان والدین مستبد کمتر متکی به خود هستند و اعتماد به نفس کمتر و همچنین استقلال و خلاقیت پایینی دارند، ذهن کنجکاو ندارند، از نظر رشد اخلاقی کمتر رشد یافته‌اند و در برخورد با مشکلات روزمره‌ی علمی، تحصیلی و ذهنی، انعطاف‌پذیری کمتری دارند. همچنین فرزندان که والدین سهل‌گیر دارند، از نظم و انضباط هیچ بهره‌ای نبرده‌اند، افرادی خودکامه و خودرأی هستند. در ارتباط با دیگران مشکل دارند، زیرا که به میل و توجه دیگران توجهی نداشته، تنها مسئله مورد توجه آنها امیال و خواسته‌های خودشان می‌باشد. از قبول

پیش‌بینی موفقیت در ریاضیات بر اساس سبک‌های فرزندپروری و ...

مسئولیت عاجز هستند و در زندگی اجتماعی و زندگی با دیگران مشکل دارند و اغلب در زندگی با شکست روبرو هستند. فرزندان این‌گونه والدین والدین، بی‌بند و بار، لابلایی، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف بوده و هیچ میزانی حاکم بر افکار و رفتار آنان نیست (شریعتمداری، ۱۳۸۲). این ویژگی‌های فردی کفایت تا فرد از موفقیت در تحصیل محروم بماند. نتایج مطالعه حاضر پیشنهاد می‌کند که می‌توان با بررسی و شناخت سبک‌های فرزندپروری والدین و ماهیت طرحواره‌ها به دانش‌آموزان کمک کرد تا با افزایش کنترل هشیارانه بر روی طرحواره‌ها، عملکرد تحصیلی خود را تغییر دهند. همچنین این یافته‌ها لزوم توجه خاص به آموزش و آگاهی دادن اولیای تعلیم و تربیت، و به خصوص والدین دانش‌آموزان در زمینه تاثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های فرزندپروری بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را محرز می‌نماید.

## منابع

- آهی، قاسم، محمدیفر، محمدعلی، بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۲۳-۵: (۳) ۳۷
- اکبری، مهتاب (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مادران مبتلا به افسردگی با سلامت روان و موفقیت تحصیلی فرزندان. (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران
- بیرامی، منصور، بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. مجله علوم تربیتی، ۲۱-۷: (۱۰) ۳
- حسن زاده، افسانه (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل خانوادگی و توانایی خواندن در دانش‌آموزان دختر با نارسایی خواندن و عادی پایه ی پنجم ابتدایی. (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- حمیدپور، حسن، اندوز، زهرا (۱۳۸۶). طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی). چاپ اول، تهران، انتشارات ارجمند خلیلی سامانی، حمیرا (۱۳۸۶) ارتباط بین شیوه‌های فرزندپروری با پیشرفت تحصیلی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه آزاد اسلامی اراک
- رضایی، اکبر، دادخواه، شبنم (۱۳۸۸). رابطه ی بین سبک های فرزند پروری و باورهای معرفت شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه. مجله علوم تربیتی ، ۱۳۴-۱۱۷ : ۲(۵)
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قاسمی، عبدالله (۱۳۸۹). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در سه گروه عادی، معتاد به مواد سنتی و معتاد به مواد صنعتی. (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه علامه طباطبایی
- کاظمی، حمید، مطهری، سارا (۱۳۹۲). رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و حالات فراشناختی در دانش آموزان دختر و پسر. مجله علمی - پژوهشی پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، ۲۲-۱۱: (۱) ۳
- مهرافروز، حجت‌اله، شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۱). بررسی رابطه نگرش نسبت به شیوه‌های فرزندپروری و مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر پایه چهارم ابتدایی. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۴۸ - ۱۳۱ : (۲) ۹
- مهرانگیز، مجید (۱۳۷۸). خانواده سالم. تهران: نشر پگاه.

Bakhtiarpour, Said, Hafezi, Fariba and Shini Behzadi, Fatemeh. (2010). The relationship between the position of control, perfectionism and self-efficacy with anxiety test and academic performance in students. *new findings in the Journal of Psychology*, 3 (8): 64-52.

- Cela-Ranilla, J.M., Gisbert M., & De Oliveira, J. M. (2011). Exploring the relationship among learning patterns, personality traits and academic performance in freshmen. *Educational Research and Evaluation*, 17(3): 175-192
- Cook, G. A., Roggman, L. A., & Boyce, L. K. (2011). Fathers' and mothers' cognitive stimulation in early play with toddlers: Predictors of 5th grade reading and math. *Family Science*, 2 (2): 131-145.
- Diaz, Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children*. Unpublished Master Thesis, University of Maryland,
- Gibson, r.l.(2004). schema therapy: A practitioner guide. *Proust-social science journal*
- Glasgow, K. L., Dornbusch, S. M., Troyer, L., Steinberg, L., & Ritter, P. L. (1997). Parental styles, adolescent, sattrivutions, and child development, 68(3), 507-529.
- Haghshenas, Hassan, Bahrehdar, Mohammad Jafar and Setayesh Rahman, Zahra. (2010). Trial reducing anxiety in a group of young college. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 15 (1), 69-63
- Harris and Curtin (2002). Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adult. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 3, . 405-416
- Hind, A.M. Hammouri (2004). Attitudinal and motivational Variables related to mathematics achievements in Jordan. *Educational Research*.
- Khosravi, Masoomeh and Bigdeli Iman (2008). The relationship between personality traits with anxiety test in students. *Journal of Behavioral Sciences*, 12 (1): 13-24.
- McWayne, C., Fantuzzo, J., Cohen, H. L., & Sekino, Y. (2004). A multivariate examination of parent involvement and the social and academic competencies of urban kindergarten children. *Psychology in the Schools*, 41 (3): 363-377
- Neal, J., & Frick-Horbury, D. (2001). The effects of parenting styles and childhood attachment patterns on intimate relationships. *Journal of Instructional Psychology*, 28, 178-184.
- Shaikhahmadi, Kazhal, Seyed Sajjadi, Amanollah, Kalvandi, Ali, (2015) The Relationship between Early Maladaptive Schema with Academic Achievement and Mathematics Test Anxiety. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*
- Sherman. J. A. (2001). Predicting mathematics performance in high school girls and boys. *Journal of Educational Psychology*, 71, 242- 249.
- Torres (2002). *Early Maladaptive Schemas and Cognitive Distortions in Psychopathy and Narcissism*. Available in eprints .anu. edu. au/archive/ 00002617 /01/02 whole.pdf
- Tronick, E. Z., & Beeghly, M. (2011). Infants' meaning-making and the development of mental health problems. *American Psychologist*. 66 (2): 107-119.
- Turner, E. A., Chandler, M., & Heffer. R. W. (2009). The influence of parenting styles, achievement motivation and self-efficacy on academic performance in college students. *Journal of College Student Development*, 50(3): 337-348.
- Yang, C. (2006). *The infinte gift: How children learn and unlearn all the languages of the World*. New York: Scribner. Practitionerers guide
- Young, J. E., Norman, S., & Thomas, J. (1995). Schema Questionnaire. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 19, 295-321.
- Young, j.E. (1994). *Schema Therapy: Conceptual Model*. Available in [www.therapist-training.com.au/young.pdf](http://www.therapist-training.com.au/young.pdf).
- Young, J. E. (1999). *Cognitive Therapy for Personality Disorders: A Schema Focused Approach (3rd edn)*. Sarasota, FL: Professional Resource Press.